

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-04]

فصلنامه علمی ـ پژوهشی تحقیقات بنیادین علوم انسانی در چهارچوب رسالت‌های مجمع عالی علوم انسانی اسلامی و با محوریت مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا منتشر می‌شود.
سال نهم / شماره ۳ / شماره پیاپی ۳۲ / پاییز ۱۴۰۲

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: عطاءالله رفیعی آتانی
سردبیر: احمدحسین شریفی
مدیر اجرایی: سیدمهدی موسوی
بازبین نهایی: سیدمهدی موسوی
ویراستار: فاطمه گلچین و حمیدرضا عرفانی‌فر
صفحه‌آرا و طراح جلد: مهناز شاه علی‌زاده

اعضای هیئت تحریریه به ترتیب حروف الفبا: سعید بهشتی (استاد گروه فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی دانشگاه علامه طباطبایی. تهران. ایران.)، سید محمدرضا تقوی (استاد گروه روانشناسی بالینی دانشگاه شیراز. شیراز. ایران.)، عطاءالله رفیعی آتانی (استادیار گروه مهندسی پیشرفت اقتصادی دانشگاه علم و صنعت ایران. تهران. ایران.)، احمدحسین شریفی (استاد گروه فلسفه مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره). قم. ایران.)، نجف لک‌زایی (استاد گروه علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم(ع). قم. ایران.)، سید حسین میر معزی (دانشیار گروه اقتصاد اسلامی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. قم. ایران.)، حسن آقا نظری (استاد گروه اقتصاد اسلامی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. قم. ایران.)

اعضای مشورتی هیئت تحریریه: حسین بستان (دانشیار گروه جامعه‌شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. قم. ایران.)، سید احسان رفیعی علوی (دانشیار گروه فقه مضاف دانشگاه باقرالعلوم(ع). قم. ایران.)، محمد کاویانی آرانی (دانشیار گروه روان‌شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. قم. ایران.)، محمدجواد نوروزی (استاد گروه علوم سیاسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره))، جاوید اقبال (استاد دانشگاه اسلامی علیگر. هند.)، طلال عتریسی (استاد دانشگاه بیروت. لبنان.)

چاپ و صحافی: تهران، چاپخانه میران.
نشانی دفتر فصلنامه:
تهران: خیابان شهید مطهری، خیابان میرعماد، نبش کوچه هشتم، پلاک ۲۳ طبقه سوم
کدپستی: ۱۵۸۷۸۱۳۱۱۶.

تلفن: ۹۶۶۵۷۸۰۱-۰۲۱
قیمت: ۱۵۰/۰۰۰ تومان
نشانی اینترنتی: frh.sccsr.ac.ir **پست الکترونیک:** frh@sccsr.ac.ir

ISSN: 2476-745X
E-ISSN: 2783-1418

مجمع عالی علوم انسانی اسلامی

فصلنامه تحقیقات بنیادین علوم انسانی به استناد ماده واحده مصوب مورخ ۱۳۸۷/۰۳/۲۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی و براساس مصوبه ۵۸۵ مورخ ۱۳۸۷/۰۶/۲۴ شورای عالی حوزه های علمیه، در جلسه مورخ ۱۳۹۹/۰۳/۲۰ شورای اعطای مجوزها و امتیازهای علمی حوزه از شماره ۱۵ به بعد حائز رتبه علمی ـ پژوهشی شد. رتبه علمی ـ پژوهشی این فصلنامه با درجه «ب» در تاریخ ۱۴۰۳/۰۵/۱۳ تمدید شده است.

ـ مقالات و مطالب منتشرشده در فصلنامه تحقیقات بنیادین علوم انسانی، لزوماً بیان دیدگاه‌های فصلنامه نیست.
ـ فصلنامه تحقیقات بنیادین علوم انسانی در تلخیص و ویرایش مقالات آزاد است.
ـ نقل مطالب و تصاویر با ذکر مأخذ بلامانع است.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-04]



| سال نهم | شماره ۳ | شماره پیاپی ۳۲ | پاییز ۱۴۰۲ |

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-04]

بسمه تعالی

فصلنامه علمی پژوهشی تحقیقات بنیادین علوم انسانی به‌منظور تولید علم در قلمرو فلسفه و روش‌شناسی و نظریات بنیادین علوم انسانی به‌طور عام و نیز رشته‌های تخصصی علوم انسانی نظیر روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، اقتصاد، علوم سیاسی، مدیریت، حقوق، تاریخ، تعلیم و تربیت، هنر و معماری و غیره با لحاظ نگاه نقادانه به نظریات موجود و در چهارچوب مبانی و معارف اسلامی منتشر می‌شود.
لطفاً به هنگام تنظیم مقالات موارد ذیل رعایت شود:

شرایط اولیه پذیرش مقاله

- مقالات ارسالی به فصلنامه تحقیقات بنیادین علوم انسانی نباید قبلاً در جای دیگری ارائه یا منتشر شده و یا هم‌زمان جهت انتشار به همایش‌ها یا نشریات دیگر ارسال شده باشند.
- نویسنده باید مقاله را از طریق سامانه بارگذاری کند. به مقالات ارسالی از طریق ایمیل ترتیب اثر داده نخواهد شد.

قالب و موضوع مقالات مورد پذیرش

مقالات باید در یکی از قالب‌های: پژوهشی (تحلیل، تطبیق، نقد) یا نقطه‌نظر (دیدگاه مستدل و تحلیلی نویسنده پیرامون یک مسئله خاص) باشد. مجله از پذیرش مقالات مروری صرف، گردآوری و گزارشی و ترجمه معذور است.

حجم مقاله

تعداد واژگان مقاله (با احتساب فهرست منابع): بین ۴۵۰۰ تا ۷۵۰۰ واژه
تعداد کلیدواژه‌ها: ۵ تا ۸ کلیدواژه
تعداد واژگان چکیده: ۱۵۰ تا ۲۵۰ واژه

نحوه درج مشخصات فردی نویسندگان

- تعداد نویسندگان مقالات نباید بیش از سه نفر باشد.
- وابستگی سازمانی نویسندگان باید دقیق و مطابق با یکی از الگوهای ذیل در فایل word درج شود.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-04]

○ **اعضای هیئت‌علمی**

رتبه علمی (مربی، استادیار، دانشیار، استاد)، گروه، دانشگاه، شهر، کشور، پست الکترونیکی

○ **دانشجویان**

دانشجوی (کارشناسی، کارشناسی ارشد، دکتری) رشته تحصیلی، دانشگاه، شهر، کشور، پست الکترونیکی

○ **افراد و محققان آزاد**

مقطع تحصیلی (کارشناسی، کارشناسی ارشد، دکتری) رشته تحصیلی، سازمان محل خدمت، شهر، کشور، پست الکترونیکی

○ **طلاب**

سطح (دو، سه، چهار)، رشته تحصیلی، حوزه علمیه/ مدرسه علمیه، شهر، کشور، پست الکترونیکی.

- نویسنده مسئول در آثاری که بیش از یک نویسنده دارند باید حتماً مشخص باشد. عبارت (نویسنده مسئول) جلوی نام نویسنده موردنظر درج شود.
- فرستنده مقاله به‌عنوان نویسنده مسئول در نظر گرفته می‌شود و کلیه مکاتبات و اطلاع‌رسانی‌های بعدی با وی صورت می‌گیرد.

ساختار مقاله

بدنه مقاله باید به ترتیب شامل بخش‌های ذیل باشد:

۱. عنوان مقاله که لازم است اولاً مسئله‌محور باشد و ثانیاً، گویای محتوای مقاله باشد.

۲. نام و نام خانوادگی نویسنده یا نویسندگان

۳. چکیده: چکیده باید در عین اختصار، بیانگر مسئله اصلی پژوهش، روش پژوهش و یافته‌ها و نتایج پژوهش باشد.

۴. مقدمه: [شامل تعریف مسئله، پیشینهٔ اجمالی پژوهش، ضرورت و اهمیت طرح، جنبهٔ نوآوری بحث، سؤالات اصلی و فرعی و مفاهیم کلیدی مقاله باشد. در یک مقالهٔ علمی پژوهشی نویسنده در بخش مقدماتی مقاله لازم است دست‌کم پاسخ چهار سؤال را به‌صورت ضمنی بیان کند: چه می‌خواهم بنویسم؟ (تبیین مسئله). چرا می‌خواهم بنویسم؟ (اهمیت و ضرورت پرداختن به آن مسئله). چگونه می‌خواهم بنویسم؟ (روش پژوهش) و بر اساس چه بنیانی می‌خواهم بنویسم؟ (پیش‌فرض‌ها یا اصول موضوعه تحقیق)].

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-04]

۵. بدنـــهٔ اصلی مقاله: (این بخش با توجه به مســـئله‌ای که در هر مقالـــه‌ای موردبحث قرار می‌گیرد می‌تواند متفاوت باشـــد؛ اما به‌طورکلی می‌توان گفت، مناسب است نویسندگان مقالات علمی پژوهشـــی در نظر داشته باشند که در این بخش لازم است: اولاً، مدعای خود را به‌صورتی شفاف بیان کنند. ثانیاً، دلایل اثبات مدعی و شواهد و قرائن آن را به‌وضوح و در شکلی منطقی و منسجم بیان کنند و ثالثاً، نقدهای وارد شده به دلایل یا مدعا را پاسخ دهند.

۶. نتیجه‌گیری: یکی از بخش‌های مهم هر مقاله‌ای بخش نتیجه‌گیری آن اســـت. نویســـنده در این بخش لازم است ضمن بیان واضح یافته‌های تحقیق، مشخص کند که چه نتیجه یا نتایج علمی، عملی، سیاستی، فردی، اجتماعی و امثال آن از مقاله تدوین شده انتظار می‌رود.

۷. کتاب‌نامه

درج پانویس، ارجاعات درون متن و کتاب‌نامه

*** روش استناد دهی: APA

درج پانویس

* از اشاره مستقیم / غیرمستقیم به نام نویسنده / نویسندگان مقاله در متن یا پاورقی خودداری شود.
* اسامی خاص و اصطلاحات لاتین و ارجاعات توضیحی در پانویس ذکر شود.
* از نقل‌قول‌های مســـتقیم و طولانی پرهیز شود (لازم است حتماً در مقاله مشخص باشد کدام بخش از متن، نقل‌قول مستقیم است).
* نقل‌قول‌های مستقیم حداکثر تا ۴۰ کلمه در درون علامت نقل‌قول "" و بیش از آن به‌صورت تورفتگی نوشته شود.

ارجاعات درون متن

* ارجاع به یک آیه از سوره قرآن: (بقره: ۵)
* ارجاع به نهج‌البلاغه: (نهج‌البلاغه: خطبه، ۵۰)
* به‌هیچ‌وجه ارجاعی در پانویس درج نشود.
* اطلاعات کامل ارجاعات درون متن حتماً باید در بخش کتاب‌نامه مقاله نیز درج شود.
* اســـتناد درون متن، داخل پرانتز، شامل (نام خانوادگی نویســـنده/ نویسندگان، سال انتشار، حرف ج شماره جلد: حرف ص شماره صفحه).

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-04]

* برای تاریخ‌های قمری و میلادی به ترتیب از حروف ق و م استفاده شود. ۱۳۴۰ ق / ۱۹۹۸ م
* درصورتی‌که از یک نویســنده در یک سال، دو اثر منتشر شده و در متن مورد استناد قرار گرفته باشد، پس از ذکر سال انتشار با حروف (الف و ب) برای منابع فارسی یا (a, b) برای منابع انگلیسی از هم متمایز شوند.
* اگر منبع مورد استناد، دو یا سه نویسنده داشت، نام خانوادگی هر سه باید ذکر شود.
* اگر تعداد نویســنده‌ها بیش از ســه نفر باشد، تنها نام خانوادگی نویسنده اول ذکر شده و پس از آن از عبارت «و دیگران» استفاده شود.
* اگر در متن به بیش از یک منبع استناد شده باشد، با نقطه‌ویرگول؛ از هم جدا می‌شوند.

کتاب‌نامه (فهرست منابع پایانی)

*** قرآن و نهج‌البلاغه به ترتیب در ابتدای کتاب‌نامه درج‌شده و در ردیف الفبایی قرار نمی‌گیرند.
* در بخش References که منابع به انگلیسی درج می‌شوند، نام خانوادگی نویسنده به‌صورت کامل، اما از نام نویسنده، صرفاً حرف اول درج می‌شود. مثال: Alston, W
* برای تاریخ‌های قمری و میلادی به ترتیب از حروف ق و م استفاده شود. ۱۳۴۰ ق / ۱۹۹۸ م
* منابعی که در این بخش درج می‌شــوند، حتماً باید در متن استفاده شده باشند(منابعی که صرفاً برای مطالعه و آگاهی بیشــتر مخاطب در متن معرفی شده‌اند و در متن به آن‌ها ارجاع داده نشده، نباید در بخش کتابخانه درج شوند).
* نظم منابع باید براساس الفبای نام خانوادگی نویسندگان باشد.

نحوه ارجاع به مقالات

* نام خانوادگی، نام. ســال انتشــار. «عنوان مقاله». عنوان مجله (به‌صورت Bold). عدد دوره (عدد شماره). عدد صفحات آغازین و پایانی مقاله.
* برای درج عنوان مجله، نیازی به درج واژه‌های نشریه، مجله، فصلنامه، دو فصلنامه، ماهنامه نیست. مثال: پارسانیا، حمید؛ اژدری‌زاده، حسین. ۱۳۹۰. «تعین اجتماعی معرفت در نهج‌البلاغه». **اسلام و علوم اجتماعی**. شماره ۶. ص ۴۹-۷.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-04]

نحوهٔ ارجاع به کتاب

* برای آثار فاقد محل نشر، ناشر و تاریخ نشر به ترتیب عبارت «بی‌جا»، «بی‌نا» و «بی‌تا» درج شود.
* نام خانوادگی، نام. سال انتشار. عنوان کتاب (به‌صورت Bold). ج (شماره جلد). چ (شماره چاپ). مترجم/ ویراستار/ گردآورنده: نام و نام خانوادگی. محل نشر: ناشر.

مثال: کنوبلاخ، هوبرت. ۱۳۹۰. **مبانی جامعه‌شناسی معرفت**. ترجمه کرامت‌الله راسخ. تهران: نشر نی.

نحوهٔ ارجاع به یک مقاله از مجموعه مقالات

* نام خانوادگی، نام (نویسندگان مقاله). سال انتشار. «عنوان مقاله». عنوان مجموعه مقاله (به شکل Bold). (ج شماره جلد). (چاپ شماره چاپ) (مترجم/ ویراستار/ گردآورنده: نام و نام خانوادگی). محل نشر: ناشر، ص (درج شماره صفحات مقاله در مجموعه مقاله).

نحوهٔ ارجاع به یک منبع الکترونیکی

* نام خانوادگی، نام (پدیدآورندگان). سال انتشار. «عنوان مطلب». تاریخ انتشار. نام پایگاه اطلاعاتی. درج لینک مستقیم مطلب الکترونیکی.

مثال: خامنه‌ای، سیدعلی. ۱۳۷۶. «بیانات مقام معظم رهبری در دیدار رئیس‌جمهور و هیئت‌وزیران به مناسبت آغاز هفته دولت». ۱۳۷۶/۶/۲.
www.leader.ir/fa/speech/1466/www.leader.ir

جداول، نمودارها و تصاویر

- فایل تصاویر مقاله با کیفیت بالا ضمیمه‌ی مقاله شود (ارسال تصاویر پس از پذیرش مقاله و قبل از صفحه‌آرایی، از طریق ایمیل فصلنامه).
- لازم است جداول و نمودارهای مقاله قابلیت ویرایش داشته باشد و به‌صورت عکس ارسال نشود.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-04]

فهرست مطالب

۱۱ **امکان‌سنجی علوم انسانی قرآن‌بنیان**
مصطفی کریمی

۳۷ **حکمت متعالیه: سرشت نهادهای سیاسی و مدنی**
محمد پزشگی

۵۷ **ارتباط حکمرانی و فلسفه سیاسی در آرای فارابی**
نجمه کیخا

۷۱ **اطلاق و تقیید در وجوب اعتباری از منظر علامه طباطبایی**
مهدی سپهری، جواد محمودزاده

۸۵ **روش‌شناسی فلسفی علم مشاوره با نگاه به فلسفهٔ اسلامی**
محمد عجمین، مسعود آذربایجانی

۱۰۷ **روش‌شناسی و مؤلفه‌های یک چهارچوب اسلامی برای فهم فرایند تحول اجتماعی به‌مثابه رویکردی در اسلامی‌سازی علوم انسانی**
وحید مقدم

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-04]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۱۳ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۲۰ |

ارتباط حکمرانی و فلسفه سیاسی در آرای فارابی

نجمه کیخا*

استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

N_keikha@sbu.ac.com

چکیده

اگــر حکمرانی را خروج از نــگاه تک‌بعدی به دولت به‌عنــوان مهم‌ترین عنصر در سیاست و ورود به عرصه تعامل بهتر دولت و جامعه بدانیم، به این معنا خواهد بود که حکمرانی بیش از پرداختن به ساختارها بر فرایندها متمرکز است. تمرکز بر فرایندها با توجه بیشــتر به مردم و جامعه همراه است و می‌کوشد جریان سیاست را از سطح جامعه به‌سمت ساختارهای سیاسی و قانون‌گذاری به حرکت درآورد. بحث از تعاون و همکاری، پرورش فضایل اجتماعی، تشــکل‌یابی و توجه به رضایت اجتماعی از عناصر مهم حکمرانی در این بخش هستند که قدرت جامعه در مقابل دولت را افزایش می‌دهند. فارابی اندیشمندی است که تحقق مدینه فاضله را بدون تعاون اجتماعی و بدون تقویت فضایل اجتماعی میســر نمی‌داند و حتی می‌توان گفت ضمن توجه به قدرت‌یابی جامعه، تشکیل جامعهٔ قوی را بدون ایجاد یک دولت قوی میسر نمی‌داند. ازاین‌حیث گزینهٔ مطلوبی در فلسفه سیاسی اسلامی برای سنجش نسبت حکمرانی و فلسفه سیاسی محسوب می‌شود. پژوهش حاضر می‌کوشد چگونگی ارتباط فلسفه سیاسی و حکمرانی را در آرای فارابی به بحث نهد.

کلیدواژه‌ها: جامعهٔ قوی، حکمرانی، فلسفه سیاسی اسلامی، تعاون، تعقل، تمثیل

* https://orcid.org/0000-0002-2156-5778

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-04]

مقدمه

فلسفه سیاسی در جست‌وجوی جامعهٔ کمال مطلوب و درصدد یافتن بهترین سامان برای نظام سیاسی است. «بهترین» سامان در سنت فلسفهٔ سیاسی کلاسیک امری هنجاری است که با اخلاق در پیوند است و به غایات نظر دارد. این سنت در تلاش است تا حقیقت امور در حوزهٔ سیاست را به ما بنماید و از پندار، وهم و گمان برحذر دارد. درحالی‌که امور جاری سیاسی در بستر تحولات مختلف بین‌المللی و داخلی و پیشامدهای متفاوت و متغیر فرصت تأمل کافی را از انسان گرفته و با تصمیمات خطا و ناقص و ناکارآمد همراه است. گفته می‌شود در دوره معاصر نظریات سیاسی جایگزین فلسفه‌های سیاسی شده‌اند زیرا نظریاتْ برآمده از واقعیات روزمره و معاصرند و فلسفه‌های سیاسی غایاتی فرازمانی را دنبال می‌کنند و تطبیق آن با شرایط سیال سیاسی هر عصر دشوار و زمانبر است. براین‌اساس عرصهٔ حکمرانی از فلسفه سیاسی فاصله می‌گیرد و در حوزهٔ کارکردهای سیاسی روزمره وارد می‌شود که دل‌مشغول ویژگی‌های جامعه و حکومت در هر زمانه است.

بحث حکمرانی امروزه متأثر از نظریات قدرت سه‌بعدی لوکس و قدرت شبکه‌ای فوکو، ایدهٔ یکه‌تازی حکومت در اداره جامعه و تمرکز تصمیم‌گیری‌ها در دولت را مخدوش ساخته و به‌جای آن دیگر نقاط قدرت همچون جامعه را نیز نشانه می‌رود. براین‌اساس نظریات حکمرانی خوب با تکیه‌بر اصلاح نهادها پا به عرصه نهاد تا بگوید نوع، شکل و ایدئولوژی دولت اهمیت درجهٔ اول را ندارد و به‌جای آن شایسته‌سالاری، تمرکززدایی، شفاف‌سازی، بودجه‌ریزی عملیاتی و استانداردسازی مهم‌تر است. اما این نظریه نیز نتیجهٔ مطلوبی در پی نداشته است. متخصصین، مشکل حکمرانی خوب را تن ندادن سیاست‌گذاران به توصیه‌های پیشنهادی و انحراف این سیاستها در مرحلهٔ اجرا می‌دانند به‌طوری‌که تنها کاریکاتور و شکل آنها به‌جا آورده می‌شود (اندروز و دیگران، ۱۳۹۸، ص۲۰). کارشناسان کشورهای درحال‌توسعه امید می‌برند بالاخره نیروی انسانی برای اجرای سرمشق‌های برگرفته‌شده از کشورهای پیشرفته و توسعه‌یافته به‌وجود خواهند آمد و با دریافت نسخه‌های جدیدتر و آموزش‌های بیشتر به کارکنان و سیاست‌مداران به موفقیت خواهند رسید اما حقیقت این است که حکومت‌های کنونی در نوعی تلهٔ قابلیت گیر افتاده‌اند و از انجام مأموریت‌های محوله سرباز می‌زنند. شرح علت و چگونگی این ضعف و رکودها به‌طور مفصل در مباحث مختلف اقتصادی، مدیریتی، سیاست‌گذاری و جامعه‌شناسی به بحث نهاده شده است. نگارنده با مطالعهٔ برخی از این کتب که راه‌حل را در توانمندسازی هم‌زمان دولت و جامعه می‌دانند

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-04]

از همراهی فلسفه سیاسی و حکمرانی سخن می‌گوید. درواقع مشکل و گره اصلی کار در نظریات حکمرانی از یک‌سو نداشتن انگیزهٔ لازم از سوی عاملان سیاستهاست. چه سیاست‌مداران و چه اجراکنندگان این سیاستها در چرخه‌ای گرفتار آمده‌اند که خروج از آن دشوار است. ازدیگرسو همواره بر قدرت‌یابی یکی از دولت یا جامعه تأکید شده و هربار به بهانهٔ قدرت یافتن یکی، دیگری محدود و کوچک مانده است. انگیزهٔ اولیهٔ نویسنده از پرداختن به این موضوع نیز طرح بحثی از سوی برخی نویسندگان حوزهٔ توانمندسازی بود که معتقد بودند فراهم کردن قابلیت‌های لجستیکی همچون تأمین نیرو و امکانات و احداث ساختمان‌ها راحت‌تر از تغییر رفتار حکمرانان، کارکنان و شهروندان برای ایجاد تغییر مثبت است (اندروز و دیگران، ۱۳۹۸). نکتهٔ مهم این است که در بحث حکمرانی خوب نه به‌تمامی بار توسعه و تکامل برعهدهٔ جامعه بار می‌شود و نه برعهدهٔ دولت. بلکه از توانمندسازی هم‌زمان دولت و جامعه سخن می‌گویند. دکتر جواد میدری که آغازگر بحث حکمرانی خوب در ایران بود پس از یک دهه تلاش در این زمینه تأسیس نهادهایی چون مجلس شورا، قوهٔ قضاییه مستقل، رسانه‌های مستقل، تفکیک قوا و... را به‌تنهایی کافی نمی‌داند؛ ازسویی تأکید بر توانمندسازی دولت بدون قدرت بخشیدن به جامعه نیز ما را به نتیجهٔ مطلوب نمی‌رساند و بایستی هر دو باهم قدرتمند شوند (میدری، ۱۴۰۰، ص۱۸-۲۰). سوای راههایی که برای این توانمندسازی‌ها ذکر می‌شود این تأکید هم‌زمان بر فرد و جامعه با ایدهٔ فلاسفهٔ مسلمان بسیار همخوان است. زیرا به همان اندازه که بر نقش حاکم جامعه تأکید می‌کنند و وظایف یک دولت امروزی را از حاکم طلب می‌کنند، بر فضیلت‌مند نمودن افراد جامعه هم اصرار می‌ورزند.

فلسفه سیاسی فارابی به همان اندازه که به غایات و کمال مطلوب‌های حوزهٔ سیاست می‌پردازد به روندها هم عنایت دارد و اصول کلی فلسفی او هموارکنندهٔ مسیر حکمرانی است. جدا نشدن اخلاق و فلسفه سیاسی در اندیشه فارابی امری بسیار مهم است. از منظر فلسفهٔ سیاسی به‌ویژه فلسفه سیاسی اسلامی و چهرهٔ شاخص آن یعنی فارابی، بدون دادن معرفت صحیح و تعیین جایگاه شایسته و درست حکومت‌گران و حکومت‌شوندگان، حکمرانی مناسبی ایجاد نخواهد شد. بنابراین می‌توان از دل فلسفه سیاسی راهی به بهبود حکمرانی گشود. فارابی فلسفه سیاسی را به دو بعد نظری و عملی تقسیم می‌کند و به‌طور خاص از حرفهٔ سیاست‌مداری یا زمامداری سخن می‌گوید. به‌عبارتی هم فلسفه سیاسی و هم بعد عملی آن، که حکمرانی است موردتوجه فارابی است و او با پرداختن به بحث عقل و اقسام آن راهی برای تعقل و اندیشه‌ورزی در باب حکومت در سطح جامعه و در حوزهٔ حکمرانی و نیز فلسفه سیاسی می‌گشاید. وی با بحث فضایل، جامعه را برای پذیرش تغییر آماده می‌کند و این کار را با تعاون و همکاری همهٔ آنها میسر می‌داند. براین‌اساس باید پرسید

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-04]

فضایل اجتماعی در اندیشـــه فارابی چیست و چه نقشی در توانمندسازی جامعه دارد؟ دولت کدام فضایل اجتماعی را می‌تواند داشـــته باشد؟ راه‌های قوی‌تر کردن جامعه در اندیشه فارابی چیست؟ راه‌هایی که به تعاون اجتماعی کمک می‌کند کدام‌اند؟

در اندیشـــه سیاسی اسلام زمینه‌های پرداختن به حکمرانی بیش از حکومت مهیاست و ادبیات حکمرانی سبب برجسته شدن بخش‌های کمتر دیده‌شدهٔ فلسفه سیاسی اسلامی می‌شود گویی این بحث ســـبب می‌شود تمام عناصر تدبیر و اداره کشور مســـیر و جایگاه و کارکرد اصلی خود را بیابد و به‌جـــای توصیف صرف آرای فارابی، بحثی کارکردی و مفیدفایده‌تر ارائه شـــود. فارابی با بحث از معرفت مشـــترک در مدینه فاضله به بحث انگیزه که در حکمرانی مورد سؤال است پاسخ می‌دهد و با بحث از فضایل و تعاون اجتماعی جامعه‌ای قوی و نیرومند می‌ســـازد. وی در بحث از چگونگی ارتباط رئیس مدینه و فیلســـوف یا پیامبر با مردم به نحوهٔ ارتباط دولت با شهروندان اشاره می‌کند که با عنوان تمثیل یا محاکات از آن یاد می‌شود.

حکمرانی در اندیشه فارابی

بنابر نظر محســـن مهدی در کتاب فارابی و بنیانگذاری فلسفه سیاسی اسلامی، درون‌مایهٔ اصلی علم سیاســـت از دیدگاه فارابی همان چیزی اســـت که با عنوان ریاست فاضله، یا پیشهٔ حکومت فاضله (المهنه الملکیه الفاضله) از آن یاد شـــده و همچون دانش پزشـــکی، دو قوه دارد: نخست «نیرویی که بر قوانین کلی اســـتوار اســـت و ســـپس نوعی صلاحیت یا ورزیدگـــی (الحنکه) که طی تجربه طولانی و مشـــاهده و ممارست بســـیار در امور جزئی، مانند افعال و آدمیان و شهرها به‌دســـت می‌آید». به‌عبارتی علم سیاست شـــامل هم تعیین قوانین کلی و هم الگوهای مختلف تعییـــن و کاربرد آنها در موارد و مواقع معین اســـت (مهدی، ۱۴۰۰، ص۱۴۹-۱۵۰). مهدی در بررســـی کتاب احصاء العلوم فارابی به دو نوع گزارش فارابی از علم سیاست برمی‌خورد: نخست گزارشـــی که به طبقه‌بندی نظام‌ها و حکومت‌ها می‌پردازد، از قوانین کلی و الگوهای کاربرد آنها سخن میراند و تجربهٔ سیاسی و علم سیاست کافی را برای حاکمان لازم می‌شمرد و دوم گزارشی که در آن تجربهٔ سیاســـی به شکل عادی و حتی به‌عنوان یکی از ویژگی‌های حاکمان جاهل طرح شـــده و جایگاه علم سیاست به‌وضوح مشخص نیست. براساس گزارش اول کتاب، علم سیاست یک صناعت عملی اســـت که به اموری در حیطهٔ اختیار انسان و خارج از علم نظری می‌پردازد و «نظامی را تأســـیس و پاسداری می‌کند که اهالی شـــهر را به آنچه از آنان سر می‌زند و آنان ایجاد می‌کنند قادر می‌سازد» (همان، ص۱۵۲-۱۵۴).

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-04]

فارابـــی در کتاب فصول منتزعه نیز عقل عملی را نیرویی میداند که با اســـتفاده از آزمایش‌های بســـیار امور حسی و از طولانی دیدن هستی‌های محسوس، برای آدمی مقدماتی فراهم می‌سازد که برخی از آن مقدمات بسیار کلی و جامع و برخی جزئی است (فارابی، ۱۳۸۸، ص۴۳).

فارابی در کتاب المله به‌طور مفصل علم مدنی را تشریح می‌کند. این علم به‌گونه‌ای بحث شده که هم تدبیر مردم و جامعه و چگونگی تقویت جامعه موردتوجه واقع شده و هم ویژگی‌های حاکم و ریاست فاضله موردعنایت قرار گرفته است. ازنظر وی «علم مدنی درباره کارها، شیوه‌های زندگی، اخلاق، خلق‌وخوها و عادات اختیاری و ارادی انسان بحث می‌کند تا نشان دهد که چگونه باید آنها را به‌دســـت آورد و به‌کار ببندد» (فارابی، ۱۳۹۸، ص۳۵). در ادامه از این بحث می‌کند که چگونه می‌توان چنین کاری انجام داد.

این مباحث نشان می‌دهد که فارابی دغدغهٔ ساخته شدن جامعه را دارد. تأکید بر اخلاق، ملکات، ســـجایا و عادات یعنی توجه به تکامل و شـــدن شهروندان و این امر نوشـــته‌های فارابی را به مباحث حکمرانی نزدیک می‌کند. به‌عنوان مؤیدی دیگر بر این بحث همچنین می‌توان به اندیشـــهٔ اعتدال در فارابی اشـــاره نمود. وی ازجمله وظایفی که برای دولت در نظر می‌گیرد اعتدال‌بخشـــی میان اجزای مختلف شهر است. اعتدال، قرار گرفتن در حد میانه است؛ حد میانه «در زمان‌های گوناگون به اندازهٔ گوناگونی چیزهایی که به آنها اضافه شود بیش و کم می‌شود» ازهمین‌رو به آن میانهٔ نسبی می‌گویند:

> «این میانهٔ نســـبی همان حالت میانه‌ای است که در کنش‌ها و در خوی‌ها و ملکات به‌کار می‌رود، چه کنش‌ها باید ازجهت شـــمار و چندی و چونی و شدت و ضعف، نسبت به انجام‌دهندهٔ کار که کار به‌ســـوی اوست و نسبت به هدف و غایت کار و نســـبت به زمان و مکان و جا، معین و معلوم شـــود... حالت میانهٔ هر کنشی نسبت به اموری اســـت که پیرامون آن است و نسبت به چیزهایی است که کنش‌ها با آن چیزها سنجیده و معین و معلوم می‌شوند» (فارابی، ۱۳۸۸، ص۲۴-۲۵).

فارابی در ادامه از این بحث می‌کند که اعتدال گاه فراگیر و زمانی نسبی است یعنی حالت میانه در رفتارها و کنش‌ها گاه برای جملگی مردم یا بیشـــتر آنها در همه زمان‌ها یا بیشـــتر زمان‌ها ثابت اســـت و گاه آن کنش‌ها برای گروهی از مردم حالت میانه است و برای عده‌ای دیگر نیست. به تعبیر فارابی«مدبر الملک و المدن» بایستی حالت میانهٔ خوی‌ها و کنش‌های مردم جامعه را نمایان سازد و برای این کار به «صناعه المدنیه و المهنه الملکیه» نیاز دارد که به پیشـــهٔ مملکت‌داری و سیاست کشـــور ترجمه می‌شـــود (همان، ص۲۶). به‌این‌ترتیب فارابی مهنه الملکیـــه را یک‌بار در ارتباط با ایجـــاد افعال و ملکات و فضایل می‌دانـــد و بار دیگر در ارتباط با اعتدال‌بخشـــی به جامعه و فهم درست شرایط و موقعیت‌های افراد و جامعه به‌کار می‌گیرد.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-04]

مباحثی که فارابی ذیل بحث از انواع مدینه‌ها ذکر می‌کند با بحث حکمرانی امروزی مشـابهت بسـیار زیادی دارد. وی نزدیک‌ترین مدینه برای رسـیدن به مدینه فاضلـه را مدینه جماعیه یا احرار می‌دانـد. به‌عبارتی اگر امکان دسـتیابی به مدینه فاضله به‌راحتی میسـر نیسـت، میان مدینه‌های جاهله، امکان رسـیدن به حالت مطلوب از طریق مدینه جماعیه فراهم اسـت. شاید بتوان به این مدینه نوعی نگاه مقدمه‌ای نیز داشـت یعنی با فراهم کردن چنین مدینه‌ای به مدینهٔ فاضله نزدیک‌تر شـد و سـپس به‌سـوی مدینه فاضله حرکت کرد. نکتهٔ مهم در این مدینه، وجود جامعهٔ قوی و آزاد اسـت زیرا رئیس این مدینه براساس اراده اهالی شهر ریاسـت می‌کند به‌گونه‌ای که گویی حاکم و شـهروندی وجود ندارد و این اهالی شهرند که حکومت می‌کنند. مردم ویژگی‌ها، اهداف، امیال و خواسـت‌های متنوعی دارند و آزادی را مهم‌ترین فضیلت و داشتهٔ خود محسوب می‌کنند ازاین‌رو از رئیـس مدینه می‌خواهند از آزادی‌های آنان حفاظت کند. حضـور افراد گوناگون و متفاوت در یک منطقه و گوناگونی آموزش‌ها، سـبک زندگی و ویژگی‌های افراد مشوق دنبال کردن امیال و آرزوها تا آخرین حد ممکن اسـت و جامعه در ابعاد مختلف رشد می‌کند به‌گونه‌ای که بیشترین حجم امور خیر و شـر در این جامعه انباشته می‌شود. یعنی همان‌طور که بیشـترین افراد فاسد و اهل لذات و تجملات در آن حضور می‌یابند به همان نسـبت بیشترین میزان فضلا و حکما و ادبا از این جامعه برمی‌خیزد. ضروریات موردنیاز برای مدینه فاضله و فرصت‌های رشد و تعالی افراد نیز در این نظام فراهم می‌شود (مهدی، ۱۴۰۰، ص۲۳۸-۲۳۵).

تعقل و حکمرانی

اگـر عنصر مهم حکمرانـی را تدبیر نیکوی دولت و جامعـه بدانیم، پایه و اسـاس چنین تدبیری بر تعقل بنا نهاده شـده اسـت. نوع اندیشیدن به مسائل در تعیین نسـبت درست فلسفه سیاسی و حکمرانی یاری‌رسـان است چراکه اگر تعقل درسـت ازنظر فارابی تنها اندیشیدن فلسفی نباشد و سـایر افراد ازجمله شهروندان و سیاست‌مدارانی که فلسـفه نمی‌دانند نیز بتوانند آن را به‌کار ببرند، می‌توان اندیشـه‌های فارابی را در عرصه حکمرانی نیز صائب دانسـت و پلی میان فلسفه سیاسی و حکمرانی برقرار نمود. آیا اندیشیدن و تعقل و عقل‌ورزی معنای یکسانی در اندیشهٔ فارابی دارد؟ آیا معنایی از تعقل وجود دارد که اندیشه‌های فارابی را برای ما نیز قابل‌فهم و استفاده نماید؟ پاسخ این سـؤال مثبت اسـت. بنابر نظر فارابی‌پژوهان مبحث عقل در اندیشه فارابی با اهمیت و قوت بسیار مطرح شـده است و فارابی توانسته است بحث عقل در اندیشـهٔ ارسطو را فربه‌تر سازد (پورحسن، ۱۳۹۹ب). نظریهٔ عقل فارابی چنان وسـیع طرح شـده اسـت که ضمن اینکه رساله‌ای مستقل در

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-04]

این زمینه نگاشـــته است، هم آرای مستقیم ارســـطو در باب عقل و هم نظریات غیرمستقیم ارسطو با کاربردهای متفاوت آن را شـــامل می‌شود (کمالی‌زاده، ۱۳۹۶، ص۶۲۲). در رسالهٔ نفس ارسطو عقل شـــامل سه نوع عقل هیولانی، بالملکه و عقل فعال می‌شود اما طبق نظر فارابی عقل دارای سه مرتبه اســـت: هیولانی، بالفعل و مستفاد. درواقع وجود ابهاماتی در فلسفه ارسطو در باب عقل این ابهام را ایجاد کرده که آیا عقل بالقوه و بالفعل یکی هستند یا مجزا از هم‌اند. فارابی ازجمله کسانی است که معتقدند بین این دو عقل تمایز وجود دارد و یکی متعلق به نفس انسان و دیگری وابسته به طبیعت است. فارابی در «رساله فی معانی العقل» شش معنا برای عقل ذکر می‌کند: عقلی که عموم مردم در مورد خواص به‌کار می‌برند و ارسطو به آن فرونسیس می‌گوید. دوم عقل متعارف است که کارهایی که انســـان‌ها در امور و افعال انسانی باید انجام دهند یا ترک کنند مشخص می‌نماید. عقل برهانی ســـومین نوع عقل است که انســـان را به ادراک مبادی یقینی می‌رساند. عقل ملاکی که توان داوری انسان در فهم درست و نادرست را فراهم می‌سازد، نوع چهارم عقل است و عقل پنجم عقل نظری اســـت که دارای مراتبی اســـت: عقل بالقوه که جزئی از نفس است؛ عقل بالفعل که کنشگر تام اســـت و ادراکات و صور چیزی جز همان عقل نیســـتند و عقل مســـتفاد که معقولات را به‌طور بی‌واســـطه درک می‌کند. انسان به‌واسطهٔ عقل مســـتفاد می‌تواند از عالم مادی بیرون رفته و به مرتبهٔ ششم عقل یعنی عقل فعال دست یابد. عقل مستفاد همچنین سبب می‌شود وجود با عقل بالفعل به نفوس و طبیعت و سپس به هیولا یا پایین‌ترین درجهٔ وجود نزول کند (فارابی، ۱۹۸۳، ص۵-۱۳).

گرچه عقل فعال، مجرد و واسطهٔ صعود آدمی از عقل هیولانی به سمت بالاترین درجات عقل اســـت اما نکتهٔ مهم و قابل‌تأمل این است که به‌نظر ارسطو عقل بالفعل که همان عقل بشری است بالاترین عقل اســـت زیرا عقل همان اندیشیدن اســـت اما به‌نظر فارابی عقل به‌جز ادراک، ساحات دیگری نیز دارد. ســـاحات مدنی و اجتماعی، دین‌شناســـی، اخلاقی نیز مهم‌اند. براین‌اســـاس اگر کارویژهٔ عقل را تنها اندیشـــیدن و کاشـــف و مدرک بودن ندانیم با بعد دیگـــری از عقل یعنی عقل مؤســـس یا انشـــاکننده روبه‌روییم. فارابی فضیلت عقلی را کمال قوهٔ معرفتی و نیز قوهٔ حکم‌کنندهٔ انسان می‌داند که علاوه بر شناخت مبدأ هستی، امکان فهم خیر و شر را نیز اعطا می‌کند. ازهمین‌رو در رســـالهٔ توطئه در منطق فلسفه را شامل چهار بخش می‌داند که علم مدنی یکی از بخش‌های آن است (پورحسن، ۱۳۹۹الف، ص۳۸۱-۳۸۳).

بنابراین عقل مدنظر فارابی می‌تواند در حوزهٔ حکمرانی به‌کار آید و گره از بســـیاری مســـائل و پرسش‌ها بگشاید و بر این اساس می‌توان از قدرت جامعه نیز سخن گفت و از آن دفاع کرد. فارابی با گنجاندن عقل متعارف بر مباحث عقل شناســـی ارسطو از این امر بحث می‌کند که تعقل تنها در

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-04]

انحصار فلاســفه و در حوزه موضوعات هستی‌شناسانه نیست بلکه می‌توان این عقلورزی را تسری داد و در سایر موضوعات مربوط به حیات و زیست انسان هم به‌کار برد. وی در فصول منتزعه تعقل را چنین تعریف می‌کند:

«تعقل همان توانایی بر اندیشــه نیک و بر نیکو کشف کردن کنشهایی است که شایسته و سزاوارتر اســت تا آدمی با به‌کار بســتن آنها به نیکی بزرگ حقیقی و هدف والای گران‌قدری دســت یازد، خواه آن هدف والا ســعادت و خواه چیز دیگر باشــد که با نیل به آن بینیازی بزرگی برای دســت یازیدن به ســعادت پدید می‌آید. زیرکی همان توانایی آدمی بر نیکو کشف کردن کنش‌هایی است که بافضیلت‌تر و شایســته‌تر در رسیدن به‌گونه‌ای از خوبی‌هاســت. هوشمندی و تیزهوشی همان توانایی بر درســتی اندیشه در کشف کردن کنش‌هایی اســت که به‌کاربردن آنها نیکوتر و شایسته‌تر است تا کنش مهمی که به پندار نیکوست رسا و تمام شود؛ همانند ثروت و توانگری و یا خوشی و یا جوانمردی» (فارابی، ۱۳۸۸، ص۴۴).

این عبارات به‌خوبی فربه‌تر بودن و مؤسس بودن عقل در اندیشهٔ فارابی را نشان می‌دهد. به‌ویژه عبارت «القدره علی جوده الرویه» به‌خوبی حوزهٔ عقل عملی را مشخص می‌کند. ازآنجاکه سیاست از مقولهٔ رویه است، فارابی در هیچ‌یک از آثار خویش به مدل خاصی از حکومت اشاره ننموده زیرا حکومت‌داری همان تأمل در یافتن ابزار و آلات مناســب برای رسیدن به مقصود است. در تعریف مشابهی دیگری در کتاب المله، تعقل این‌چنین تعریف شده است:

«قوه تعقل نیرو و توانایی اســت که از تجربیات کارورزی‌ها فراهم آمده، از مباشــرت و ممارست کاری افعال حاصل می‌شــود... ماهیت قوه تعقل عبارت است از توانایی بر حسن استنباط شرایط و موارد جزئی که از رهگذر آنها می‌توان به تقدیر و تشــریع کارها و جماعت‌های انسانی یا تک‌تک شــهرها و امت‌ها پرداخت؛ البته با درنظر گرفتن موقعیت‌های کوتاه‌مدت یا بلندمدت ولی محدود و یا کلاً فرازمانی اگر امکان‌پذیر باشد» (فارابی، ۱۳۹۸، ص۴۵).

ایجاد انگیزه و اقناع‌سازی: تمثیل یا محاکات

چنان‌که در بخش‌های قبل مقاله نیز اشاره شد، وجود معرفتی یکسان در میان شهروندان عنصری مهم در ایجاد محبت و تعاون و ایجاد حکمرانی مطلوب در شــهر اســت. همهٔ اهالی مدینه باید نسبت به مبدأ، منتهی و مقطع میان این دو یعنی حوزهٔ اعمال و افعال، معرفت مشــترکی داشــته باشند. پرسش مهمی که در اینجا مطرح می‌شــود این است که چگونه می‌توان با شهروندان که از سلایق و روحیات و اســتعداد متفاوتی برخوردارند، از داشتن معرفت مشترک سخن گفت؟ مگر نه این است که هرکس

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-04]

حقیقت را از راهی می‌فهمد و همگان در این زمینه یکسان نیستند؟ راهی که فارابی برای شناختن مبدأ اول معرفی می‌کند این است که رئیس مدینه که می‌تواند فیلسوف یا پیامبر باشد به حقایق وحی دست می‌یابد. اما حقایق را به‌گونه‌ای که برای شـــهروندان قابل‌فهم باشد بیان می‌کنند. برای این منظور آنها می‌توانند از مقبولات و مشـــهورات و از روش خطابه برای تقریب به ذهن شهروندان استفاده کرده و با آشنایی با زبان و عرف جامعه به زبان مردم سخن بگویند (فارابی، ۱۳۹۸، ص۳۳). بحث عالم خیال و زبان تمثیلی گامی بزرگ برای همراهی مردم و حاکمیت و تسهیل حکمرانی است.

منظور از خیال در اینجا بحث خیال در قوس نزول اســـت که به‌عنوان قدرتی در شـــخص نبی موردتوجه قرار میگیرد. این قدرت میتواند حقایق دریافت‌شـــده از عقل فعال را با تمثیل، تشـــبیه و تصویرسازی متناسب به‌عنوان دین یا ملت به مردم ارائه دهد. نبی یا حاکم جامعه باید زبان، فرهنگ و سنن، آداب‌ورسوم، عرف، قصهها و اسطورههای مردم، سبک زندگی و شیوههای معیشت مردم را بداند تا بتواند با زبانی قابل‌فهم و در راســـتای اهداف مردم سخن بگوید. مثالهای به‌کار رفته توسط نبی بایستی برای هر ملت و امتی به‌طور خاص و ویژۀ همان امت و ملت ارائه شود و به زبانی با مردم ســـخن بگوید که قانع‌کننده و قابل‌پذیرش باشد. بر این اساس استفاده از مثال که بر پایه قوه تخیل افراد قرار دارد مهمترین روش گفت‌وگو با مردم جامعه است.

فارابی تیمائوس افلاطون را نمونهای از محاکات فلسفه به زبان مثال میداند و از آن متأثر است با این تفاوت که فارابی ســـطح بحث از محاکات و تقلید را از شـــعر و اسطوره به دین ارتقا میدهد. دین هم از آرای حق و هم مثالی بهره میبرد. معقولات فلسفه توسط دین متخیل میشود یعنی با تشبیه به امور جســـمانی و نمادهای حسی و مدنی به خیال انسان‌ها درمی‌آید. به این وسیله حقایق کلی و فلسفه بازنمایی و تبدیل به امر محسوس میشود و میتواند شهروندان را اقناع سازد.

تمثیل و محاکات ابزار حکمرانان برای ایجاد بهتر فضایل در جامعه اســـت. گفتارهای اقناعی و صنایع گفتاری به حکمرانان کمک می‌کند تا فضایل عقلی و اخلاقی مناســـب را در جامعه ایجاد کننـــد. امروزه رســـانه‌های جمعی و فیلم و موســـیقی کمک زیادی به این حوزه نموده اســـت. اما مهم‌ترین تأثیر خیال در بحث حکمرانی ایجاد انگیزه در شـــهروندان است. توجه به بحث خطابه از سوی فارابی از این حیث اهمیت دارد. فارابی خطابه را مربوط به جوامعی می‌داند که هنوز به برهان دست نیافته‌اند و ذهنیتی ابتدایی دارند. اساس خطابه بر تمثیل و تخیل استوار است. کارویژۀ خطابه اقناع‌سازی اســـت که از مظنونات، مشهورات، مقبولات و گاه متواترات بهره می‌برد تا امری ظنی و مبتنی بر گمان را به شنوندگان القا نماید. تمثیل از انواع مثال، خیال، استعاره و تشبیه استفاده می‌کند (پورحسن، ۱۳۹۹ الف، ص۴۵۳).

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-04]

وی خطابه را توانایی ســخن گفتن با گفتارهایی می‌داند که شــنوندگان را بر انجام کارهای لازم و دوری از کنش‌هایــی کــه نباید انجام داد به نیکویی راضی و قانع می‌نمایــد. فارابی حتی فراتر از این می‌رود و از این امر صحبت می‌کند که حاکم نه‌تنها باید بتواند ســخنان خود را برای شنوندگان باورپذیر ســازد تا آنها را بــه‌کار بندند بلکه باید بتواند حتی اگر ســخنان او غیرقابل‌باور باشــد و شــنوندگان این سخنان را دوست ندارند نیز به آنها عمل کنند. به‌نظر فارابی اشعار و سخنان موزون خیال‌انگیز بدین‌جهت پدید می‌آیند تا خیال نیکویی از امور در اذهان شنوندگان پدید آورند. درواقع فارابی شعر را نیز وارد سیاست می‌سازد و از این سخن می‌گوید که اشعار چنان بر تعقل آدمی تأثیر می‌نهند که شــهروندان کنشهای خدایی و نیکی‌ها و خوبی‌ها را تخیل می‌کنند و فضایل و برتری‌ها در اذهان آنها بزرگ و پســندیده و بدی‌ها و کاســتی‌ها و فرومایگی‌ها زشت و ناپسند می‌آید. گرچه به‌نظر فارابی شعرایی یافت می‌شوند که خوشی‌های پست و سستی نفس و تن‌آسانی را شایسته جلوه می‌دهند (فارابی، ۱۳۸۸، ص۵۵-۵۳).

فضایل اجتماعی

جایگاه فضایل در اندیشــه فارابی همچون جایگاه هیئت طبیعی و تعاضد میان اجزای عالم هستی اســت که میان آنها انتظام، پیوستگی و همبستگی پدید می‌آورد. به‌این‌ترتیب در کشور نیز حاکمان بایستی:

> «نفوس اقســام و اجزاء امت (کشــور) و مدینه و ملکات و عادات اختیاری و ارادی مردمان آنها را پرورش دهد و هیئتی پدید آورد که آنان خودبه‌خود وادار به انجام چنین اموری شده و یکپارچگی و پیوستگی امت و امتها را به‌رغم کثرت و تنوع و اضداد و اختلاف مراتبشان از راه تعاضد و همیاری تضمین کنند و درست مانند جهان هستی به‌رغم اختلافات در مراتب و تنوع در کارهایشان، تبدیل به پدیده‌ای واحد و یکپارچه شوند» (فارابی، ۱۳۹۸، ص۵۳).

دو امر به انسان در رسیدن بهترین ملکات و فضایل یاری می‌کند: نخست فطرت انسانی است که بدون اینکه انسان را مجبور سازند سبب می‌شوند «مثلاً فلان فعلی که معد برای انجام آن شده‌اند برای آنها آسان‌تر و سهل‌تر باشد» (فارابی، ۱۳۷۹، ص۲۴۱). پس‌ازآن مداومت است. اگر بخواهیم با افعال و اعمال و قدرت تشخیص خود به سعادت دست یابیم باید همواره به نیکی عمل کرد. خلق نیکو و فطانت ذهن انســان را فضیلت‌مند می‌ســازند اما باید آن‌قدر تکرار شوند تا تبدیل به عادت گردند. در گام بعدی باید تــلاش نمود تا اعمال از حد اعتدال و میانه‌روی خارج نگردند. برای این کار باید زمان و مکان انجام کارها را بدانیم و باتوجه‌به انجام‌دهندهٔ کار، وســایل و ابزار کار و نتایج

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-04]

آن، حد میانهٔ آن را مشخص سازیم. بنابراین نقطهٔ تعادل در اعمال و اخلاق براساس زمینهٔ انجام اعمال انسان‌ها سنجیده می‌شوند و امری ثابت و معین نیست (فارابی، ۱۳۹۰، ص۶۵-۵۷).

فضایل سبب انجام کارهای خیر و نیکو از سوی انسان می‌شود. و به دو نوع فضایل خلقی و نطقی تقسیم می‌شوند. منظور از فضایل نطقی، حکمت و عقل و منظور از فضایل خلقی عفت و شجاعت و امثال آن است که هر دو از راه تکرار و عادت به دست می‌آید. بنابراین حکمرانی نیکو همراه با تعلیم‌وتربیت و افزودن بر دانش شهروندان است. قوهٔ ناطقه نیز به دو نوع ناطقهٔ نظری و عملی تقسیم می‌شود که در ناطقهٔ نظری، عقل نظری و علم و حکمت از معقولات اولیه یا بدیهی آغاز می‌شود و تا علم به وجود و کیفیت موجودات هم پیش می‌رود و ناطقهٔ فکری حاصل تجربه و مشاهده است و روندی رو به تکامل را طی می‌کند تا به ادراک نحوهٔ رسیدن به سعادت برسد. آنچه سبب موفقیت در این مسیر می‌شود فضایل خلقی است.

تعاون اجتماعی

رفع نیازهای اولیه و ضروری انسان نیازمند زیست اجتماعی، مبتنی بر تعاون و همیاری است. به هر میزان که توقع انسان‌ها از باهم زیستن ارتقا یابد تعاون نیز به درجات بالاتری می‌رسد. اگر هم‌زیستی ریشه در رفع نیازهای اولیه داشته باشد، اجتماع ضروری شکل می‌گیرد و اگر دستیابی به اهداف معنوی و روحی و به‌ویژه سعادت اهمیت یابد، تعاون در این راستا انجام خواهد شد. تعاون همراه با به خدمت گرفتن موجودات دیگر برای رفع نیازهاست و این «استخدام» به شکل سلسله‌مراتبی صورت می‌گیرد. انسان هم‌نوعانش را دوست دارد و به آنها انس و الفت می‌ورزد. سه نوع محبت در جامعه وجود دارد: محبت براساس خیر و فضیلت، محبت براساس منفعت و محبت بر پایهٔ لذت (فارابی، ۱۳۸۸، ص۶۰). بهترین نوع‌دوستی و الفت در رسیدن به اهداف متعالی و خیر صورت می‌گیرد که در مدینه فاضله محقق می‌شود. همین محبت است که به تعاون و همکاری می‌انجامد. گرچه تعاون در رفع نیازهای اولیهٔ زندگی در همهٔ مدینه‌ها اعم از مدینه فاضله و غیرفاضله صورت می‌گیرد اما در مدینه‌های غیرفاضله شهروندان در جست‌وجوی دستیابی به سعادت پنداری هستند و اشتراک زیادی میان افراد در راه رسیدن به آن وجود ندارد؛ ازاین‌رو گفته می‌شود در این مدینه‌ها بیش از آنکه تعاون وجود داشته باشد افراد متوحدند. اعضای مدینه‌های غیرفاضله نیاز زیادی به کسب فضایل احساس نمی‌کنند و با منافع و لذات مشترک با یکدیگر ارتباط می‌یابند. تعاون به بهترین شکل انجام کارهای مشترک از سوی شهروندان در مدینه فاضله شکل می‌گیرد:

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-04]

«همین‌که اندیشـــه‌های جملگی مردمان شـــهر در همهٔ امور باهم هماهنگ و یکی شـــود، همان اندیشـــه‌ها با پدید آوردن کارهایی که برخی با همیاری برخی دیگر انجام می‌دهند، به سعادت و به چنان نیکبختی دست می‌یابند که دوستی و دل‌بستگی برخی را با برخی دیگر به‌دنبال دارد... برخی به برخی دیگر نیاز دارند و برخی به برخی دیگر سود می‌رسانند؛ ازاین‌رو دوستی و دل‌بستگی میان آنان به ســـبب فایده رســـاندن به یکدیگر پدید می‌آید آنگاه به سبب انبازی آنان در برتری‌ها از سود رساندن به یکدیگر لذت می‌برند» (فارابی، ۱۳۸۸، ص۶۱).

به‌نظر فارابی این اشـــتراک در همکاری و لذت متقابل به فزونی دوســـتی مردم باهم می‌انجامد تاجایی‌که مردمان آرمان‌شـــهر به هم هم‌بسته و پیوسته می‌شـــوند. امور مشترک میان شهروندان در مدینه عبارت اســـت از اشـــتراک در عقیده به مبدأ و معاد و آنچه میان این دو است. منظور از مبدأ، خداوند و نیکان و ارواح و فرشـــتگان و عالم خلقت است و منظور از غایت و معاد، همان سعادت اســـت. بین این دو نیز افعالی وجود دارد که افراد را به ســـعادت می‌رساند و برای انجام چنین امری باید میان افراد محبت و همکاری باشد.

فارابی در فصول منتزعه شـــهر را به کالبد انسان همانند می‌داند. اعضای بدن انسان با یکدیگر متفاوتند و برخی برتر و برخی پست‌ترند و به‌گونه‌ای مرتب شده‌اند که باعث ایجاد کنش در یکدیگر شده و می‌توانند همکاری لازم برای رسیدن به هدف بدن را تأمین کنند. اعضای جامعه نیز همگون نیســـتند هرگاه هدف آنها به کمال رسد از کنش آنان همکاری برای به کمال رسیدن هدف همهٔ شهر فراهم می‌گردد (همان، ۲۹).

دکتر ناظرزاده در تحلیل بحث فارابی در بـــاب تعاون، تأکید فارابی بر تعاون را به‌معنای دوری وی از ســـنت افلاطونی در باب نقش شاه آرمانی می‌داند. در مدل نظری افلاطون از حکومت، این پادشاه است که نقش اساسی در رسیدن به سعادت را ایفا می‌کند حال آنکه فارابی با بحث تعاون بر نقش اعضای جامعه در این زمینه نیز تأکید دارد (ناظرزاده، ص۱۵۰). این تأکید دیدگاه فارابی را به نظریات حکمرانی و تکیه‌بر نقش مردم در پیشرفت و توسعه نزدیک می‌سازد.

به کمک برنامه‌ها و روش‌هایی که مراتب بالاتر جامعه به‌کار می‌گیرند، افراد بر فضایل و عادات و صفاتـــی ویژه مداومت می‌کنند. هر یک از افراد جامعه اعمالی انجام می‌دهند که در ارتباط با کل جامعه است و هم‌افزا اســـت. هرچه رویه‌های حکومتی عادلانه‌تر باشد این تعاون نیز بهتر صورت گرفته و مثمر ثمر تر اســـت. وی حتی از محبت اجتماعی ســـخن میگوید که برتر از عدالت است. عدالت مســـتلزم حفظ کرامت همهٔ انسان‌ها و توزیع مناسب امکانات جامعه است. هر چه اشتراک افراد در آرا و افعال فضیلت‌مندانه، منافع و لذات بیشـــتر باشـــد، اجتماع فاضل‌تری خواهند داشت

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-04]

و حکمرانـــی بهتری انجام خواهد شـــد. چنان‌که امروزه اخلاق و عرفان اســـلامی را بهبوددهنده و برطرف‌کنندهٔ نقایص دموکراسی دانسته‌اند (Khan, ۲۰۱۹).

نتیجه‌گیری

باتوجه‌به ایدهٔ اصلی پژوهش، فارابی به‌عنوان یک فیلســـوف سیاســـی به حکمرانی نیز عنایت دارد. بحث حکمرانی در تداوم بحث فلســـفه سیاسی وی مطرح شـــده است به‌گونه‌ای که محسن مهدی در دو گزارش از علم سیاست فارابی در یکی بحث تجربه و توجه به رویه‌ها و فرایندها و در دیگری ابتنای سیاســـت بر فلســـفه نظری را ملاحظه نموده اســـت. این دو نگاه در کتاب احصاء العلوم، با بحث تعقل در فصول منتزعه و المله تقویت شـــده اســـت. به تعبیـــری فارابی باتوجه‌به بحث تعقل به‌مثابه تجربه‌ورزی و تأمل در جزئیات سیاســـت، عقل را فربه‌تر ســـاخته و از عقل ارسطویی عبور نموده اســـت. پژوهش کنونی باتوجه‌به تعریف حکمرانی به قوی‌تر ساختن جامعه در کنار دولت و توانمند ساختن شهروندان، تعاون و همکاری، کسب فضایل و ایجاد انگیزه در شهروندان با استفاده از تخیل و حکایت‌گری را از لوازم حکمرانی در اندیشه فارابی دانسته است. گرچه دولت در اندیشه فارابی همچنان قوی است و بار بسیاری از وظایف را بر دوش دارد اما در این پژوهش نشان داده شد که بحث حکمرانی نیز به‌وضوح در اندیشه فارابی مطرح شده است.

تعاون که با همکاری در باب ضروریات حیات آغاز می‌شود، در ادامه به دوستی میان شهروندان می‌انجامد و نوعی قدرت اجتماعی پدید میآورد که امر حکمرانی و مشـــارکت شهروندان را مؤثرتر میسازد. کســـب فضایل مختلف عقلی و اخلاقی از سوی شهروندان نیز توانمندسازی افراد جامعه را در پی دارد. دســـتیابی به مدینه فاضله از طریق فضایل میسر است که رسیدن به وحدت و همدلی میان شـــهروندان را امکان‌پذیر می‌نماید. اقناع شـــهروندان که عنصری مهم در حکمرانی به‌شـــمار می‌رود بیش از هرچیز با اســـتفاده از روش تخیل و حکایت‌گری انجام می‌شود که بیان حقیقت را به زبانی قابل‌درک برای شـــهروندان میسر می‌ســـازد. به‌این‌ترتیب می‌توان نشان داد که در کنار مباحث فلسفه سیاسی، حکمرانی نیز در اندیشه فارابی موردتوجه قرار گرفته است و فن زمامداری در اندیشه وی تا حد زیادی به این مفهوم بازمی‌گردد.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-04]

منابع

۱. اندروز، مت؛ لنت پریچت و مایکل وولکاک. ۱۳۹۸. **توسعه به‌مثابه توانمندسازی حکومت (شواهد، تحلیل و عمل)**. ترجمه جعفر خیرخواهان و مسعود درودی. تهران: روزنه.

۲. بحرانی، مرتضی و ابوالفضل شکوری. ۱۳۸۷. بررسی زبانی نسبت دوستی و ریاست در اندیشه سیاسی فارابی. **فصلنامه تحقیقات فرهنگی**. س۱، ش۴، ص۱۹۱-۱۵۹.

۳. پورحسن، قاسم. ۱۳۹۹الف. **فارابی و الحروف**. تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.

۴. پورحسن، قاسم. ۱۳۹۹ب. **فربه‌تر از عقل یونان**. سایت دکتر پورحسن.

۵. کمالی‌زاده، طاهره. ۱۳۹۷. «رساله عقل فارابی در ارتباط تنگاتنگ با آثار ارسطو است»، ۱۸ مهر، پایگاه فرهنگ نو امروز، https://www.farhangemrooz.com/news/56641/

۶. کمالی‌زاده، طاهره. ۱۳۹۶. «عقل در فلسفه ارسطو به روایت اسکندر و فارابی»، **فصلنامه فلسفه و کلام اسلامی**. ش۲، س۴۵، ص ۶۱۶-۶۳۵.

۷. میدری، احمد. ۱۴۰۰. **در جستجوی سعادت عمومی**. ج۲. درآمدی بر توانمندسازی حکومت و جامعه. تهران: روزنه.

۸. مهدی، محسن. ۱۴۰۰. **فارابی و بنیان‌گذاری فلسفه سیاسی اسلامی**. ترجمه محمداحسان مصحفی. تهران: حکمت.

۹. ناظرزاده کرمانی، فرناز. ۱۳۷۶. **اصول و مبادی فلسفه سیاسی فارابی**. تهران: انتشارات دانشگاه الزهرا.

۱۰. فارابی، ابونصر. ۱۳۸۸. **فصول منتزعه**. ترجمه و شرح حسن ملکشاهی. چ۲. تهران: سروش.

۱۱. فارابی، ابونصر. ۱۹۸۳ م. **رساله فی معانی العقل**. بیروت: دارالمشرق.

۱۲. فارابی، ابونصر. ۱۳۹۸. **کتاب المله؛ رساله در باب فلسفه دین و الهیات سیاسی**. ترجمه ابوالفضل شکوری. تهران: عقل سرخ.

۱۳. فارابی، ابونصر. ۱۳۹۰. **فارابی و راه سعادت (کاوشی در باب اخلاق فضیلت از نگاه فارابی)**. به کوشش قاسم پورحسن و ترجمه نواب مقربی. تهران: انتشارات بنیاد حکمت اسلامی صدرا.

۱۴. فارابی، ابونصر. ۱۳۷۹. **سیاست مدنیه**. ترجمه سیدجعفر سجادی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

15. Khan. M. A. moqtader. 2015. **Islam and Good Governance a Political Philosophy of Ihsan**. New York: Palgrave Macmillan.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-04]